

چرا قطر به ایران نزدیک شده است؟

امیر قطر با انتقاد از سیاست های سعودی، دشمنی با ایران به عنوان کشوری قدرتمند و اسلامی را بیهوده و حماس و حزب الله را گروه های مقاومت معرفی کرده بود. اما پشت پرده چه اتفاقی افتاده است که امیر قطر را به چنین موضعی واداشته است؟



به گزارش آران نیوز: به نقل از دفاع پرس، حامد رحیم پور در یادداشتی نوشت:

تنش میان قطر و کشور های دیگر حوزه خلیج فارس، به ویژه عربستان و امارات، به طور بی سابقه ای افزایش یافته است. پس از نشست هفته قبل ریاض، امیر قطر، با انتقاد از سیاست های سعودی، دشمنی با ایران به عنوان کشوری قدرتمند و اسلامی را بیهوده و حماس و حزب الله را گروه های مقاومت معرفی کرده بود.

هرچند در پی انتشار گسترده اظهارات امیر قطر، دولت این کشور اعلام کرد که سایت خبرگزاری این کشور هک شده و انتساب چنین سخنانی به امیر قطر صحت ندارد اما مقامات سعودی حملات رسانه ای تندى را علیه قطر به راه انداخته و اصرار دارند خبر هک شدن سایت این خبرگزاری بی اساس است.

همزمان افشاگری های این کشور ها علیه یکدیگر در رسانه هایشان آغاز شده و همچنان ادامه دارد اما پشت پرده چه اتفاقی افتاده که امیر قطر را به چنین موضعی واداشته است؟ واقعیت این است که قطری ها ترسیده اند. نه از ایران، بلکه از همسایه ای که صد ها میلیارد دلار سلاح در انبار های خود دارد و باز هم در حال خرید است به ویژه این که اختلافات ارضی دیرینه ای نیز با ریاض دارند.

لیست خرید 110 میلیارد دلاری سعودی ها باید هم نگرانی عمده ای برای کشور های کوچک حوزه خلیج فارس باشد. سرانه نظامی عربستان برای هر شهروند، به رقم بالای بیش از چهار هزار دلار می رسد و این که قطری ها و حتی کویتی ها دست به خرید های هنگفت نظامی، شامل جنگنده های پیشرفته و سیستم های پدافندی زده و می زنند، در وجه اول متوجه ایران نیست.

چرا که آن ها به خوبی بر این نکته واقف هستند که همسایه قدرتمند شمالی هیچ چشم طمعی به این کشور ها ندارد. قطری ها به خوبی بر این نکته واقف بوده و هستند که سعودی ها اگر همه دنیا را هم خریداری کنند، جرات و جسارت حمله به ایران را ندارند. پس این تسلیحات برای چه خریداری می شود؟ باید گفت که سعودی ها از سال های دور و دراز با بسیاری از کشور های همسایه خود دچار مشکل اساسی هستند، مشکلاتی که به دلیل منافع مشترک، فشار آمریکا و تعریف یک دشمن از سوی سعودی ها، به نام ایران سعی کرده اند کمتر از آن یاد کنند.

با این حال این مسائل هر از چند گاهی خود را نشان داده و سر بر می آورد. باید دقت کرد که چه اتفاقی در حال روی دادن است. سعودی ها همیشه در اندیشه یکپارچه کردن شبه جزیره عربستان بوده اند، اگر دنیای قدیم بود و توان آن را داشتند، آن ها تاکنون چندین بار کشور های کویت، قطر، بحرین، امارات و عمان را بلعیده بودند.

قطر جذابیت های دیگری هم برای سعودی ها دارد و آن هم وجود منابع گسترده گاز است، این منابع برای تزریق به چاه های پیر و فرتوت عربستان که نزدیک 90 سال از عمر برخی از آن ها می گذرد و اکنون با آب و هزینه فراوان از زیر زمین استخراج می شود، بهترین ابزار است. همچنین اگر قطر به کنترل سعودی ها در بیاید، مرز های آبی آن ها در خلیج فارس تقریباً با ایران برابر می شود و بر اساس یکی از تحلیل های نظامی سعودی ها، آن ها قابلیت پدافندی و حتی آفندی بیشتری در برابر طرف ایرانی کسب خواهند کرد و در هر نبردی در آینده دست شان باز تر خواهد بود.

دو کشور علاوه بر اختلافات دیرینه مرزی که به آن اشاره شد، در زمینه پرونده های منطقه ای نیز از جمله موضوع سوریه و نیز اخوان المسلمین اختلاف نظر جدی دارند. قطر در فرآیند «بهار عربی» در غرب آسیا عملاً به عنوان یک بازیگر فعال و حامی بسیاری از جنبش های ظهور کرده در کشور های عربی که عمدتاً رویکرد اخوانی داشتند به ویژه با استفاده از الجزیره به عنوان بازوی رسانه ای قوی خود وارد عرصه شد.

پس از تحولات سال 2011، حمایت قطر از اخوان المسلمین از یک سو و تلاش عربستان در قراردادن این گروه در فهرست سازمان های تروریستی به اختلافات جدی میان دو طرف در جریان نشست شورای همکاری خلیج فارس در مارس 2014 منجر شد. این اختلافات در نهایت به خروج سفرای عربستان، امارات و بحرین از قطر انجامید که بعد ها این اختلافات به طور موقتی حل شد و سفرای این کشور به قطر بازگشتند و دوحه نیز متعهد شد که سیاست و رویکرد های واگرایانه ای نسبت به دیگر اعضای این شورا نداشته باشد و در ظاهر نیز اقداماتی را در این راستا در پیش گرفت ولی این امر حتی باعث آن نشد که روابط این کشور با مصر که از اخوان المسلمین حمایت می کرد، به گرمی دوران گذشته بازگردد.

جنگ سوریه نیز رقابت قطر و عربستان را به شکل جدی آشکار کرد و دو کشور سعی کردند که گوی سبقت را در این پرونده از یکدیگر ببرایند. از آغاز بحران سوریه قطر با اتخاذ رویکرد مستقل و از طریق حمایت مالی و نظامی مخالفان از یک طرف و تعلیق عضویت سوریه در شورای همکاری خلیج فارس تلاش کرد، ابتکار عمل مخالفان را در دو صحنه میدانی و سیاسی سوریه در دست بگیرد. در مقابل عربستان از مجموعه ای از جریان های تکفیری وهابی حمایت کرد. حالا که ترامپ در ریاض توانسته دوباره شاه سعودی و رئیس جمهور مصر را دور یک گوی جادو جمع کند و دست امیر قطر به این گوی جادو نرسید، او باید هم

منتقد باشد.

باید هم نگران باشد و از آن روز بترسد که ممکن است نظامیان سعودی شبانه مرز های مشترک که نسبت به آن ادعا هم دارند را درنوردیده و ارتش پیاده قطر نتواند چند ساعتی هم در برابر آن ها مقاومت کند. افزون بر این سعودی ها بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ و با توجه به این که جهان عرب از خلاء رهبری رنج می برد، تلاش دارند تا نقش رهبری جهان عرب را به دست آورند و نشست اخیر مقامات 17 کشور اسلامی در ریاض را می توان در این راستا ارزیابی کرد.

قطر اکنون تلاش دارد با تشکیل ائتلاف های جدید در منطقه نقش خود را بازتعریف کند. روابط حسنه این کشور با ترکیه و نیز مناسبات آن با روسیه و تلاش این کشور در نزدیکی هرچه بیشتر به ایران را می توان در این راستا ارزیابی کرد. از همین روست که امیر قطر از جمله سران کشور های عربی بود که پیروزی حسن روحانی رئیس جمهور کشورمان را در دور دوم ریاست جمهوری به وی تبریک گفت و خواستار گسترش مناسبات با ایران شد.

امیر قطر دیروز نیز در تماس تلفنی با رئیس جمهور کشورمان روابط با جمهوری اسلامی ایران را دیرینه، تاریخی و مستحکم دانست. همه این اقدامات و تحرکات نشان می دهد که قطر از گسترش نقش منطقه ای عربستان در منطقه که به دنبال انزوای دیگر کشور های عربی است، راضی نیست و قصد دارد با نزدیکی به دیگر کشور های منطقه سیاست مستقلی را در پیش بگیرد.

در عین حال وجود این رویکرد حتی اگر مبتنی بر انگیزه های سیاسی از سوی قطر باشد علاوه بر این که فرصتی را در اختیار دستگاه دیپلماسی کشورمان برای همگرایی بیشتر در منطقه قرار می دهد، کارت بازی مهمی برای برهم زدن نمایش اجماع کشور های عربی علیه ایران و جبهه مقاومت پس از سفر پرسروصدای ترامپ به ریاض و منطقه می باشد چرا که به خوبی شکاف های جدی در جبهه عربی برضد ایران و همچنین یک دست نبودن اراده برای اجرای سیاست های آمریکا در منطقه را نشان می دهد.

منبع: خراسان